

A Qualitative Analysis of the Most Significant Challenges Facing Socially Vulnerable Women Covered by the Welfare Organization of Razavi Khorasan Province (2024)¹

Mohammad Ghafarizadeh

PhD Student in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Quchan Branch, Quchan, Iran

Fatemeh Sadr Nabavi 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Majid Fouladiyan

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 4 March 2025

Revised: 27 May 2025

Accepted: 16 June 2025

Abstract

This study, conducted in 2024, employs a qualitative approach and thematic analysis method to examine and identify the key issues faced by socially vulnerable women covered by the Welfare Organization in Razavi Khorasan Province. The main objective of the study is to provide an in-depth analysis of the lived experiences and viewpoints of socially vulnerable women regarding economic and social empowerment, with a particular focus on the meaning and interpretation of their experiences. Participants were selected through purposive sampling from among socially vulnerable women being cared for and empowered in three centers: Khaneh TalashToos, Dah-e Dey, and Hedayat. The main inclusion criterion was the participants' information and experience related to

1. This paper is extracted from the first author's doctoral dissertation submitted to the Islamic Azad University, Quchan Branch, Quchan, Iran.

2. Corresponding author. Email: fatemeh.sadrnabavi@iau.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Ghafarizadeh, M. , Sadr Nabavi, F. and Fouladiyan, M. (2026). A Qualitative Analysis of the Most Significant Challenges Facing Socially Vulnerable Women Covered by the Welfare Organization of Razavi Khorasan Province (2024). Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(4), 141-165. Doi: 10.22067/social.2025.92482.1619

the research topic. Sampling continued until theoretical saturation was reached, which was obtained through constant comparison after 20 interviews. Research data were collected through in-depth semi-structured interviews and analyzed by thematic analysis. The findings suggest that the women studied confronted multiple challenges in economic and social empowerment due to a lack of professional skills, limited employment opportunities, social discrimination, psychological issues, and insufficient social support. The results of the data analysis highlighted the need to design and implement comprehensive educational, counseling, and support programs in order to empower this group of women. This study can serve as a practical source of information for relevant institutions and policymakers in improving the living conditions of socially vulnerable women.

Keywords: Empowerment, Vulnerable women, Thematic analysis, Khorasan Razavi, Welfare Organization.

تحلیل کیفی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی زنان آسیب‌دیده اجتماعی تحت پوشش سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی (سال ۱۴۰۳)^۱

محمد غفاری‌زاده (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران)

yoones_m11@yahoo.com

فاطمه صدرنبوی  (استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

fatemeh.sadrnabavi@iau.ac.ir

مجید فولادیان (دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

fouladiyan@um.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و شناخت مهم‌ترین مشکلات زنان آسیب‌دیده اجتماعی تحت پوشش سازمان بهزیستی در استان خراسان رضوی طی سال ۱۴۰۳، با استفاده از رویکرد کیفی و روش تحلیل تماتیک انجام شده است. هدف اصلی پژوهش، بررسی عمیق تجربیات زیسته و نظرات زنان آسیب‌دیده اجتماعی درخصوص توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی و تمرکز پژوهش بر معنا و تفسیر تجربیات زنان آسیب‌دیده اجتماعی است. مشارکت‌کنندگان از بین زنان آسیب‌دیده اجتماعی که در ۳ مرکز خانه تلاش طوس، ده دی و هدایت نگهداری و توانمندسازی می‌شوند، به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند. ملاک انتخاب برخورداري مشارکت‌کننده از حداکثر اطلاعات و تجربیات مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. انتخاب تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. این مهم از طریق مقایسه مداوم صورت پذیرفت. پس از انجام ۲۰ مصاحبه به اشباع نظری دست یافتیم. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل تماتیک مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۴، صص ۱۶۵-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷ تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷

که زنان مورد مطالعه به دلیل فقدان مهارت‌های حرفه‌ای، محدودیت فرصت‌های شغلی، تبعیض‌های اجتماعی، مشکلات روانی و کمبود حمایت‌های اجتماعی، با چالش‌های متعددی در زمینه توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی مواجه هستند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها، ضرورت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی، مشاوره‌ای و حمایتی جامع را به‌منظور توانمندسازی این گروه از زنان مورد تأکید قرار می‌دهد. این پژوهش می‌تواند به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی کاربردی برای نهادهای مرتبط و سیاست‌گذاران در جهت بهبود شرایط زندگی زنان آسیب‌دیده اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توانمندسازی، زنان آسیب‌دیده، تحلیل تماتیک، خراسان رضوی، سازمان بهزیستی.

۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، کاهش فقر و افزایش سطح رفاه خانوار به یکی از موضوعات کلیدی توسعه اقتصادی کشورها تبدیل شده است. فقرزدایی و بهبود سطح رفاه اجتماعی از ملزومات اساسی رشد اقتصادی به‌شمار می‌رود (گالبرایت^۱، ۲۰۰۷). بااین‌وجود، اجرای سیاست‌های مؤثر برای مقابله با فقر همچنان با چالش‌های جدی مواجه است. در ایران، پس از انقلاب اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی و کاهش فقر در اولویت برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار داشته است. بااین‌حال، علی‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد، آمارها نشان می‌دهد که میزان فقر همچنان رو به افزایش بوده و تأثیرگذاری این برنامه‌ها نیازمند بررسی و بازنگری است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۲-۱۳۸۶).

یکی از گروه‌های اجتماعی که به‌طور ویژه در معرض فقر، تبعیض و محرومیت قرار دارند، زنان آسیب‌دیده اجتماعی هستند. این زنان غالباً از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برخوردار نبوده و نیازمند حمایت‌های هدفمند برای توانمندسازی هستند. توانمندسازی این گروه به معنای افزایش استقلال، خودکفایی و مشارکت فعال آن‌ها در جامعه است که می‌تواند منجر به کاهش

1. Galbraith

آسیب‌های اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و بهبود کیفیت زندگی آن‌ها شود (بانک جهانی، ۲۰۱۶). برنامه‌های توانمندسازی، شامل آموزش‌های حرفه‌ای، حمایت‌های مالی و اجتماعی و ایجاد فرصت‌های شغلی، از جمله سیاست‌هایی است که در بسیاری از کشورها برای کاهش فقر و بهبود وضعیت اجتماعی این قشر اجرا شده است (هندی^۱، ۲۰۰۴).

در ایران، سازمان بهزیستی کشور به‌عنوان یکی از نهادهای حمایتی، برنامه‌های متعددی را با هدف توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی زنان آسیب‌دیده اجرا کرده است. برای مثال، در استان خراسان رضوی، سالانه بودجه‌ای قابل توجه برای این برنامه‌ها تخصیص داده می‌شود (سازمان بهزیستی کشور، ۱۳۹۹). با این حال، بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که بسیاری از این برنامه‌ها به اهداف تعیین‌شده خود دست نیافته‌اند و نیاز به بازنگری و بهبود دارند. عوامل مهمی در عدم دستیابی برنامه‌ها به اهداف خود مؤثر است برخی از متغیرها ناشی از عدم شناخت کافی جامعه هدف و نامتناسب بودن سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات است.

پژوهش حاضر با هدف بررسی مهم‌ترین مشکلات و چالش‌های پیش روی زنان آسیب‌دیده در جهت توانمندسازی آنان صورت گرفته است.

به‌طور کلی این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤالات اساسی بود: مهم‌ترین چالش‌ها و موانع عدم دستیابی سیاست‌های موجود در جهت توانمندسازی زنان آسیب‌دیده کدامند؟ چه راهکارهایی جهت برخورد با این چالش‌ها وجود دارد؟

۲. مبانی نظری

در ابتدا به مفهوم توانمندسازی^۲ و ابعاد آن اشاره می‌شود و سپس مهم‌ترین تئوری‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند. طبق تعریف بانک جهانی، توانمندسازی به توانایی فرد در انتخاب‌های آگاهانه و تبدیل

1. Handy

2. Empowerment

آنها به نتایج مطلوب اشاره دارد (نابیمانیا و همکاران^۱، ۲۰۲۴: ۳). این فرآیند، مستلزم ارتقای توانایی‌های تصمیم‌گیری و اجرای مؤثر این تصمیمات در راستای بهبود شرایط زیستی است. هسته اصلی توانمندسازی، افزایش دسترسی به منابع مادی و معنوی، کسب اطلاعات و مهارت‌های لازم، ایجاد و بهره‌مندی از فرصت‌های متنوع، و همچنین تقویت ابعاد روان‌شناختی نظیر اعتماد به نفس و خودباوری است (میلر^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). این مفهوم در حوزه‌های گوناگون از جمله اقتصاد، اجتماع، سیاست و روان‌شناسی قابل بررسی و اجرا بوده و هدف غایی آن، ارتقای کیفیت زندگی و افزایش مشارکت فعال افراد در عرصه‌های مختلف اجتماعی است.

مفهوم توانمندسازی در ادبیات علمی به شیوه‌های گوناگون تعریف شده است، در برخی از تعاریف مبنا حقوق و دسترسی به منابع است. براین اساس توانمندسازی به عنوان فرآیندی تعریف می‌شود که به افراد کم‌درآمد و محروم کمک می‌کند تا به حقوق قانونی و اجتماعی خود دست یافته و کنترل بیشتری بر منابع طبیعی و اجتماعی مؤثر بر زندگی خود اعمال نمایند.

در گروهی دیگر از تعاریف توانمندسازی بر مبنای افزایش قدرت و عاملیت صورت گرفته است. لذا توانمندسازی به مثابه فرآیندی در نظر گرفته شده است که از طریق آن، افراد یا گروه‌ها بر چالش‌ها و مشکلات خود مسلط شده و قادر به تأثیرگذاری بر مسائل مرتبط با زندگی خود می‌گردند. همچنین توانمندسازی شامل ارتقای قدرت فردی، بین فردی و سیاسی افراد در نظر گرفته می‌شود که منجر به بهبود شرایط زندگی آنان می‌شود. این فرآیند، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، افزایش خودکارآمدی، کاهش خودسرزنی و ایجاد آگاهی انتقادی را دربرمی‌گیرد (بریویو^۳، ۲۰۲۳).

1. Nabimanya

2. Miller

3. Brivio

نهایتاً در تعریف توانمندسازی به ابعاد چندگانه آن توجه می‌شود که این شامل افزایش دسترسی به اطلاعات، کنترل بر دارایی‌ها و منابع، ارتقای اعتبار و منزلت اجتماعی، دستیابی به موقعیت‌های تصمیم‌گیری و مشارکت فعال در فرآیندهای سیاست‌گذاری است.

۲. ۱. مدل‌ها و نظریه‌های توانمندسازی

توانمندسازی به عنوان یک مفهوم کلیدی در توسعه پایدار، مورد توجه نظریه پردازان متعددی قرار گرفته است. در این راستا، چندین نظریه و مدل مهم ارائه شده‌اند که به بررسی ابعاد مختلف توانمندسازی پرداخته‌اند. برخی از این نظریه‌ها شامل مدل توانمندسازی سارا لانگه^۱، نظریه تلفیق توانمندسازی و ادغام اجتماعی لین بنت^۲، نظریه توانمندی و آزادی انتخاب آمارتیا سن^۳، نظریه توانمندسازی اجتماع محور دیوید فترمن^۴ و نگرش سه وجهی به توانمندسازی نایلا کبیر^۵ هستند. سارا لانگه با تأکید بر اهمیت برابری جنسیتی در فرآیندهای توسعه، معتقد است که بسیاری از نظریه‌های توسعه، برابری را صرفاً در چارچوب شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر آموزش، اشتغال و قوانین تعریف می‌کنند. این نگاه محدود باعث می‌شود که نقش اساسی برابری جنسیتی در توسعه نادیده گرفته شود. لانگه بر این اساس، یک مدل پنج مرحله‌ای برای سنجش توانمندی زنان پیشنهاد می‌کند: توجه به وضعیت مادی و نیازهای اولیه افراد، بررسی میزان دسترسی زنان به منابع و فرصت‌ها، افزایش شناخت زنان نسبت به مسائل اجتماعی و اقتصادی و دلایل شکل‌گیری آن‌ها، فراهم‌سازی بسترهای مشارکت فعال زنان در تصمیم‌گیری‌ها و نهایتاً توانایی زنان در تصمیم‌گیری‌های مستقل و اجرای راه‌حل‌های پیشنهادی.

1. Sara Longwe

2. Lynn Bennett

3. Amartya Sen

4. David Fetterman

5. Naila Kabeer

لین بنت مدل خود را با هدف فقرزدایی پایدار و ایجاد تغییرات اجتماعی ارائه می‌دهد. در این مدل، فرآیندهای توانمندسازی از پایین به بالا و ادغام اجتماعی از بالا به پایین به عنوان دو رویکرد مکمل در توسعه اجتماعی معرفی می‌شوند. این مدل به دنبال تغییر ساختارهای قدرت موجود در جامعه است و بر توانمندسازی گروه‌های محروم تأکید دارد. بنت معتقد است که یکی از عناصر کلیدی این فرآیند، کمک به گروه‌های فقیر برای بهره‌گیری از قدرت عمل جمعی‌شان است.

آمارتیا سن توانمندسازی را در چارچوب آزادی انتخاب تعریف می‌کند. از دیدگاه وی، درآمد نه تنها یک ابزار مهم برای توانمندسازی است، بلکه افزایش توانمندی در زمینه‌های غیراقتصادی نیز می‌تواند منجر به ارتقای بهره‌وری اقتصادی و افزایش درآمد شود. در این نظریه، توانمندی هر فرد به معنای امکان انتخاب میان ترکیب‌های مختلفی از عملکردها و شیوه‌های زندگی است. در نتیجه، توانمندسازی نه تنها به دسترسی به منابع بلکه به قابلیت انتخاب و استفاده از آن‌ها نیز بستگی دارد. از نگاه دیوید فیتزمن توانمندسازی یک فرآیند پنج مرحله‌ای است؛ شکوفایی قابلیت‌های فردی از طریق یادگیری و توسعه مهارت‌ها، کمک به افراد در کسب ابتکار عمل، تصمیم‌گیری و خلاقیت، ایجاد شبکه‌های اجتماعی، فرصت‌های مالی و دسترسی به حمایت‌های عاطفی و مادی، افزایش آگاهی، روشننگری و انگیزه‌بخشی برای اقدام جمعی و سرانجام عبور از انتظارات و نقش‌های سنتی برای تعریف مجدد هویت و نقش‌های اجتماعی.

نایلا کبیر توانمندسازی را از طریق سه مؤلفه اصلی تحلیل می‌کند؛ شرایطی که امکان انتخاب را فراهم می‌کنند، فرآیند گزینش و تصمیم‌گیری فردی و نتایج ناشی از انتخاب‌های مختلف. وی بر این باور است که این سه بعد در تعامل با یکدیگر قرار دارند و تغییر در هر یک، بر سایر ابعاد تأثیر می‌گذارد. کبیر تأکید دارد که بررسی توانمندسازی در چارچوب اجتماعی و فرهنگی باید به گونه‌ای انجام شود که مشخص کند هر یک از این مؤلفه‌ها چگونه فرصت‌های انتخاب را برای گروه‌های هدف فراهم می‌کنند.

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهند که این مفهوم صرفاً به مسائل اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روانی نیز نقش مهمی در این فرآیند دارند. توانمندسازی نه تنها شامل افزایش دسترسی به منابع بلکه شامل ایجاد آزادی انتخاب، توسعه مهارت‌ها و تغییر در روابط قدرت اجتماعی است. از این رو ضرورت دارد که هم سیاست‌گذاران و هم پژوهشگران ابعاد متفاوت آن را در سیاستگذاری‌ها و تحقیقات خود در نظر داشته باشند.

۳. پیشینه پژوهش

یکی از سؤالات قابل طرح در ارزیابی برنامه‌های توانمندسازی این است که وقتی زنی اقدام به خروج از آسیب اجتماعی می‌نماید، تحت چه شرایطی ممکن است مجدداً به این کار روی آورد؟ پاسخ تحقیقات پیشین نشان داد: وجود مشکلات ساختاری، اعتیاد به مواد مخدر، ترک موفقیت‌آمیز خروج نیازمند: تقویت فعالیت‌های اقتصادی و درمان مصرف مواد مخدر (یوسف^۱، ۲۰۲۵) تغییر برداشت‌های خود از فحشا به عنوان یک پدیده منفی، مرتبط با «پول درآوردن سخت»، فرمانبرداری و انزجار (هنریکسن جاروینن^۲، ۲۰۲۵) انگ اجتماعی، فقر، بی‌سوادی، مهارت‌های کم قابل فروش، تبعیض جنسی و طبقاتی، ترس از زندانی شدن (جی مونرو^۳، ۲۰۰۵). همچنین مطالعات مختلف نشان داده است مسیر زنان برای خروج از آسیب‌های اجتماعی مسیری خطی نیست؛ بلکه فرآیند خروج و بازگشت ممکن است بارها تکرار شود. اما آنچه مهم است، نیاز این زنان به دریافت کمک از سوی سازمان‌های توانبخشی برای خروج است (سندرز^۳، ۲۰۰۷)؛ اگرچه خروج از آسیب‌های اجتماع نیازمند عاملیت فرد است، اما عدم بازگشت، به شرایط ساختاری مربوط است که نیازمند حمایت سایر افراد جامعه فراتر از خانواده فرد است و نیز تغییرات عمده در شرایط اقتصادی فرد و کمک به رفع آسیب‌های روانی ناشی از تن‌فروشی و اعتیاد است.

1. Yosef

2. Henriksen, Järvinen

3. Monroe

اقدامات توانبخشی یک رویکرد چندبخشی است که بخش دولتی، تجاری، اجتماعی، رسانه‌های جمعی و دانشگاهی در پرداختن به آسیب‌های اجتماعی می‌توانند مشارکت داشته باشند (ال رزاق^۱، ۲۰۲۵). در ایران: استفاده از سازمان‌های غیردولتی و مردمی، استفاده از اعمال سیاست‌های حقوقی، قضائی و توانمندسازی زنان آسیب‌پذیر در حوزه‌های مختلف روانی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی (درخشان، پرچمی، ۲۰۲۴). برنامه‌های توانمندسازی اقتصادی شامل ابتکارات تأمین مالی خرد، برنامه‌های آموزش حرفه‌ای و شبکه‌های مربی‌گری (التاف، بشیر^۲، ۲۰۲۵) توانمندسازی اقتصادی، شامل آموزش سواد مالی، آموزش حرفه‌ای یا ایجاد فرصت‌های شغلی (کوریل^۳، ۲۰۲۴). جلسات هفتگی حضوری، گروه‌های حمایتی، اعتمادسازی (شرک^۴، ۲۰۲۴)، ایجاد اعتماد از طریق کارکنانی که خود بازماندگان هستند، ایجاد یک محیط امن و بدون قضاوت، توسعه برنامه‌های درمانی با حمایت مربی‌گری، تشویق به بیان عاطفی منظم، مسکن مقرون به صرفه (هوتالینگ^۵، ۲۰۰۴)، ایجاد یک هویت جدید، از جمله ظاهر فیزیکی، نگرش و جهت‌گیری اجتماعی (روحیم^۶، ۲۰۲۱)، رفع موانع انگ، تبعیض، خشونت، آسیب‌شناسی و جرم‌انگاری، افزایش تاب‌آوری شخصی، عوامل محافظتی، عاملیت و شمول اجتماعی (کالی^۷، ۲۰۲۴، رینیش^۸، ۲۰۲۰) بهبودی از تروما، فراگیری استراتژی‌های مقابله، مهارت‌های اجتماعی-عاطفی، منابع تجسم‌یافته، مالکیت دارایی‌های مالی یا دسترسی به حمایت مالی خانوادگی، اقدامات فرهنگی (مثلاً، رد «افسانه‌های تجاوز جنسی» اجتماعی، معنویت) (کتا^۹، ۲۰۲۲).

1. El Rizaq
2. Altaf, Bashir
3. Corple
4. Shareck
5. Hotaling
6. Rohim
7. Kali
8. Reynish
9. Gueta

بخشی از مطالعات در حوزه آسیب‌های اجتماعی زنان به بررسی اقتصادی این پدیده پرداخته‌اند. دو مطالعه در ایران نشان داده است که بازار تن‌فروشی، قواعد عرضه و تقاضا تأثیرگذار و تعیین‌کننده بسیاری از عوامل‌اند. بررسی اجزای درآمد و نوبت‌های کار روسپیان، نشان داد عواملی مثل ۱. هزینه‌ها؛ ۲. سن فعلی؛ ۳. محل جلب مشتری؛ ۴. نرخ هر نوبت رابطه جنسی (عادی)؛ ۵. شمار مشتریان و ۶. تجربه بر درآمد حاصل از تن‌فروشی آثار معناداری دارند. الگوی غالب فعالیت روسپیگری در ایران، کار فردی است و به معنای اقتصادی بازار روسپیگری در این بخش کاملاً شکل نگرفته است (مدنی‌قهفرخی، ۱۳۹۱).

پدیده مرکزی «بازار روسپیگری، بازار پررونق مبتنی بر ارائه اجباری خدمات جنسی». نتایج تحقیق نشان داد پدیده مرکزی شناسایی شده تحت‌تأثیر مجموعه‌ای از عوامل شامل: «بی‌پناهی اجتماعی»، «وفور تقاضا»، «درآمد بالا برای قوادان» و «فقر تشدیدشونده» بوده که منجر به بروز پیامدهایی شامل، «تشدید آسیب‌پذیری در برابر عوامل مخاطره‌آمیز»، «قرارگیری مداوم در معرض خشونت»، «خانواده‌زدایی از زندگی روزمره» و «بهره‌کشی جنسی از زنان فقیر و آسیب‌دیده اجتماعی» می‌شود. همچنین «انطباق فعال با وضع موجود» و «مقاومت مقطعی / غیرپیوسته» به‌عنوان مهم‌ترین راهبردهای پیش‌روی زنان آسیب‌دیده اجتماعی در این بازار به‌شمار می‌رود (قربانی، ۱۴۰۲).

مطالعات در خارج از ایران نشان داده است که درآمد در این بازار برحسب نوع فعالیت زنان روسپی متفاوت است. روسپی توافقی مستقیماً از مشتریان درآمد کسب می‌کنند، درحالی‌که روسپی‌های اجباری، ارتباط مستقیمی با مشتریان و درآمد چندانی ندارند؛ زیرا بخش چشمگیری از درآمد آنها به تدارکات، فاحشه‌خانه‌ها و دیگر بازیگران درگیر در تجارت فحشا می‌رسد (بهات^۱، ۲۰۲۲).

مداخلات قانونی در این بازار سبب «دست کم گرفتن اهمیت مقررات محلی مورد استفاده برای تنظیم افراد، معاملات و مشاغل» (اسکیلبری^۱، ۲۰۱۹) شده است. همچنین «قانونی بودن معاملات بین مدیران (فاحشه‌ها) و غیرقانونی بودن فعالیت واسطه‌گری (دلالتان). حذف دلالتان و فاحشه‌خانه‌ها مازاد را به روش‌های غیرمشخصی تغییر دهد، بسته به عملکرد دقیقی که انجام می‌دهند و تعادل در بخش‌های بازار "با کیفیت بالا" و "با کیفیت پایین" ادغام یا جدا می‌شود» (فارم^۲، ۲۰۱۳). تحقیقات نشان داده است که «هرچه درآمد روسپی در مشاغل عادی بیشتر باشد، ساعات کاری موجود برای کار در روسپیگری کمتر است و بنابراین، روسپیگری کمتری با قیمت بالاتر فروخته می‌شود» (جوستا^۳، ۲۰۰۵).

براساس نتایج مطالعات برنامه‌های توانمندسازی در عدم بازگشت مجدد زنان آسیب‌دیده به این فعالیت موفق نبوده‌اند (شدایمه^۴، ۲۰۲۱؛ نوربانی^۵، ۲۰۱۷). این امر بیانگر پیچیدگی تأثیرگذاری برنامه‌های توانمندسازی بر خروج دائم زنان از این بازار است.

براساس نتایج در ابتدا تصمیم‌گیری برای خروج نیازمند عاملیت زنان است، اما پس از خروج از بازار و قرار گرفتن در معرض برنامه‌های توانبخشی، تأثیرگذاری این برنامه‌ها بر خروج دائم زنان نیازمند برطرف‌سازی موانع ساختاری است. این موانع در سه سطح خرد، میانه و کلان قرار دارند. تحقیقات بر بخشی از این موانع پرداخته بودند. این امر نیز ناشی از پیچیدگی مسئله مورد بررسی است. مطالعات پیشین همچنان نشان داده‌اند که وجود عوامل تسهیل‌کننده ورود به بازار فحشا، همچنان می‌توانند پس از دریافت برنامه‌های توانمندسازی باقی مانده و به تضعیف تأثیرات این برنامه‌ها منجر و بازگشت مجدد را فراهم نماید.

1. Skilbrei
2. Farmer
3. Giusta
4. Shdaimah
5. Nurbani

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و به‌طور خاص، با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک انجام شده است. از آنجا که هدف اصلی پژوهش، بررسی عمیق تجربیات زیسته و نظرات زنان آسیب‌دیده اجتماعی درخصوص توانمندسازی اقتصادی-اجتماعی است و تمرکز پژوهش بر معنا و تفسیر تجربیات زنان آسیب‌دیده اجتماعی است، نه صرفاً بر اعداد و آمار لذا از این روش بهره گرفتیم. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. مشارکت‌کنندگان از بین زنان روسپی که در ۳ مرکز خانه تلاش طوس، ده دی و هدایت نگهداری و توانمندسازی می‌شوند، انتخاب شده‌اند. در انتخاب مشارکت‌کنندگان ملاک انتخاب برخورداری مشارکت‌کننده از حداکثر اطلاعات و تجربیات مرتبط با موضوع پژوهش بوده است. انتخاب تا زمان رسیدن به اشباع نظری^۱ ادامه یافت؛ یعنی بررسی چند مورد آخر هیچ داده متفاوتی با داده‌های قبلی را به دست نداد. این مهم از طریق مقایسه مداوم صورت پذیرفت. پس از انجام ۲۰ مصاحبه به اشباع نظری دست یافتیم. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی، ابتدا هدف از مطالعه به مشارکت‌کنندگان اطلاع‌رسانی شد و رضایت آنان جهت ورود به مصاحبه جلب گردید. همچنین لزوم ثبت و ضبط مصاحبه‌ها و انتشار نتایج حاصل از تحقیق با مشارکت‌کنندگان مطرح شد. به‌منظور محرمانه بودن مطالب و گمنامی مشارکت‌کنندگان، در کل متن مصاحبه، از اسم مستعار استفاده گردیده است. مشارکت‌کنندگان از حق انصراف از مصاحبه برخوردار بودند. جهت روایی و اعتبار از ملاک گوبا و لینکلن استفاده شده است. درگیری طولانی‌مدت محقق با داده‌ها، تأیید مصاحبه‌ها توسط مشارکت‌کنندگان و اساتید راهنما، ثبت کلیه مراحل و روند تحقیق از ابتدا تا انتها، جهت دستیابی به روایی انجام شد. به‌منظور تعیین قابلیت اعتماد و کسب اطمینان از صحت داده‌ها، منابع آن و روش جمع‌آوری داده‌ها از روش ممیزی (Auditing)

استفاده گردید؛ به این صورت که مدیر تیم تحقیق به عنوان ممیز، بر مراحل انجام کار، مفاهیم و مقوله های به دست آمده و فرایند تجزیه و تحلیل داده ها، نظارت داشت.

داده ها از طریق مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته جمع آوری شد. این نوع مصاحبه، ضمن حفظ چهارچوب کلی، امکان پاسخگویی آزادانه به سؤالات و موضوعات مطرح شده توسط مشارکت کنندگان و دستیابی به عمق تجربیات و نظرات آن ها را فراهم می آورد. به منظور تحلیل داده ها، از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. برای این منظور از چهارچوب شش مرحله ای براون و کلارک استفاده شد. در مرحله تولید کدهای اولیه، استخراج مفاهیم از عبارات معنایی صورت گرفت؛ به این صورت که داده های زیاد به تکه های کوچک معنایی تقطیل داده شده اند. در این مرحله ایده های ابتدایی در مورد کدها شکل گرفت. سپس کدگذاری توسط محققان انجام شد. در مرحله جستجوی تم ها، تلاش برای یافتن تم های اصلی که یک یا چند تم فرعی را پوشش می دهد آغاز شد و برخی از مفاهیم بررسی شده، در یک تم قرار گرفتند. پس از اتمام این مرحله، بررسی تم ها صورت گرفت تا مشخص شود تم های فرعی ایجاد شده به خوبی مفاهیم تحت شمول خود را پوشش می دهند یا خیر؟ در این مرحله، تم های اولیه که در مرحله قبل شناسایی شد، بررسی و اصلاح شدند. در مرحله آخر اصلاح نهایی تم ها صورت گرفت و ماهیت آن چیزی که هر تم در باره آن است مشخص شد.

جدول ۱. ویژگی های زمینه ای مشارکت کنندگان در پژوهش

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۳

شماره	سن	تحصیلات	رتبه فرزند	اعضای خانواده	وضعیت اقتصادی	وضعیت تأهل	فرزند
1	12	سوم ابتدایی	آخر (فرزند ششم)	6	متوسط	مجرد	-
2	15	مقطع هشتم	آخر (فرزند دوم)	4	ضعیف	مجرد	-
3	17	پنجم ابتدایی	فرزند اول	4	متوسط	مجرد	-
4	19	سیکل	فرزند اول	3	متوسط	مطلقه	1

شماره	سن	تحصیلات	رتبه فرزند	اعضای خانواده	وضعیت اقتصادی	وضعیت تأهل	فرزند
5	20	دیپلم	تک فرزند	3	متوسط	مجرد	-
6	22	ابتدایی	فرزند اول	4	ضعیف	مجرد	-
7	24	ابتدایی	آخر (فرزند چهارم)	6	متوسط	مجرد	-
8	24	ابتدایی	فرزند دوم (وسط)	5	ضعیف	مجرد	-
9	26	دیپلم	آخر (فرزند دوم)	4	متوسط	مجرد	-
10	26	سیکل	فرزند دوم (وسط)	4	متوسط	مجرد	-
11	28	ابتدایی	فرزند دوم (وسط)	5	ضعیف	متارکه	-
12	31	سیکل	فرزند آخر	4	ضعیف	مجرد	-
13	33	ابتدایی	فرزند سوم	7	ضعیف	مجرد	-
14	35	سیکل	فرزند آخر	5	متوسط	مطلقه	1
15	36	ابتدایی	فرزند دوم	7	ضعیف	مطلقه	1
16	37	دیپلم	فرزند سوم	6	متوسط	مطلقه	2
17	38	ابتدایی	فرزند آخر	7	ضعیف	مطلقه	1
18	38	ابتدایی	فرزند چهارم	7	ضعیف	مطلقه	1
۱۹	۳۳	راهنمایی	فرزند اول	۸	ضعیف	مطلقه	۲
۲۰	۲۷	راهنمایی	فرزند دوم	۹	ضعیف	مطلقه	۱

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق نشان داده است که زنان آسیب‌دیده با طیف گسترده‌ای از چالش‌ها در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، روانی، فرهنگی و قانونی روبه‌رو بوده‌اند. این چالش‌ها به‌طور کلی در سه تم اصلی دسته‌بندی شده است که در ادامه به توضیح کدهای فوق پرداخته می‌شود:

جدول ۲. تحلیل تماتیک مشکلات زنان آسیب دیده

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۳

کدهای اصلی	کدهای محوری	برخی از کدهای باز ^۱
محرومیت ادراک شده فراگیر	محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی	نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای، عدم تحصیلات کافی برای پیدا کردن شغل مناسب، بی اطلاعی از فرصت‌های شغلی، نداشتن سابقه کار کافی، برخورداری از موانع جسمی و روانی دست یابی به شغل
	محرومیت مالی	عدم توانایی در تامین نیازهای اساسی، داشتن بدهی، عدم دسترسی به منابع مالی، احساس گیرافتادن در یک باتلاق مالی، احساس وابستگی به دیگران، عدم توانایی در پس انداز یا برنامه‌ریزی مالی، احساس منفی بدلیل وابستگی مالی، ترس مداوم از قطع شدن منابع مالی، انجام برخی از کارها بدلیل نیاز مالی برخلاف میل باطنی
	محرومیت از وجود خانواده حمایت گر	طرد شدن از سوی خانواده، عدم درک و همدلی، فشار و سرزنش خانواده، عدم کمک مالی و عملی، احساس تنهایی در خانواده
تبعیض ادراک شده	تبعیض در بازار کار	رفتارهای تبعیض آمیز در محیط کار، - حقوق و مزایای کمتری نسبت به مردان، فرصت‌های شغلی کمتر بدلیل زن بودن، نگاه منفی خانواده به کار زن در بیرون از منزل
	تبعیض جنسیتی	کلیشه‌های جنسیتی، اجبار به ازدواج زودرس
تجربه بحران‌های چالش زای تشدید کننده	ضعف حمایت‌های اجتماعی	نبود فضاها برای گفتگو، فقدان مشاوره‌های تخصصی، نبود گروه‌های حمایتی، احساس طردشدگی از جامعه
	مشکلات روانی	احساس پوچی و بی‌معنایی، افسردگی و غم عمیق، اضطراب و نگرانی مداوم، احساس گناه و شرم، احساس تنهایی و انزوا
	داغ ننگ	نگاه منفی جامعه به زنان آسیب‌دیده، بیرجسب‌های منفی جامعه،
	کمبود دسترسی به خدمات حقوقی	ناآگاهی از حقوق قانونی، مشکلات مالی برای استخدام وکیل، ترس از مراجعه به مراجع قانونی، عدم اعتماد به سیستم قضایی
	مشکلات در پیگیری حقوقی	فرآیندهای پیچیده و طولانی حقوقی، ترس از انتقام و تهدید، فشار روانی و خستگی، مشکلات مربوط به جمع‌آوری مدارک و شواهد

۱. جهت اجتناب از طولانی شدن مقاله صرفاً برخی از کدهای باز در این جدول ذکر شده است.

۱.۵. کد اصلی ۱: محرومیت ادراک‌شده فراگیر

محرومیت ادراک‌شده فراگیر یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که زنان آسیب‌دیده با آن مواجه بوده‌اند. در تحقیق حاضر ذیل این کد، مواردی چون محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی، محرومیت مالی و محرومیت از وجود خانواده حمایت‌گر به‌عنوان کدهای محوری استخراج شده است که در ادامه به هر یک اشاره می‌شود.

۱.۵.۱. محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی

یکی از مسائل اصلی زنان آسیب‌دیده، محرومیت از دسترسی به فرصت‌های شغلی است. بسیاری از این زنان به دلیل نداشتن مهارت‌های حرفه‌ای و عدم تحصیلات کافی، توانایی پیدا کردن شغل مناسب را نداشته‌اند. پیش‌داوری‌های منفی در مورد زنان آسیب‌دیده مانعی برای استخدام آنها شده است. علاوه بر این، بی‌اطلاعی از فرصت‌های شغلی و نداشتن سابقه کار کافی، مشکلات بیشتری را برای این زنان ایجاد کرده است. برخی محدودیت‌های جسمی و روانی نیز این مشکل را تشدید نموده است.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «خیلی دوست دارم یه کار داشته باشم، ولی خب نه مهارتی دارم، نه کسی هست که کمک کنه. همه‌ش دنبال کار می‌گردم، ولی همه‌شونم یا مرد می‌خوان، یا یه تخصصی می‌خوان که من ندارم».

۱.۵.۲. محرومیت مالی

محرومیت مالی یکی دیگر از مشکلات اقتصادی زنان آسیب‌دیده است. این زنان توانایی تأمین نیازهای اساسی خود را نداشته و به دلیل داشتن بدهی، در وضعیت مالی بحرانی قرار گرفته‌اند. عدم دسترسی به منابع مالی حتی برای مواردی چون بیماری نیز مشکلات بیشتری را برای این زنان ایجاد کرده است. احساس گرفتاری در یک باتلاق مالی، فشار روانی زیادی بر این زنان وارد کرده است.

در همین رابطه، یکی دیگر از شرکت کنندگان در مصاحبه بیان داشت: «اگه یه کم پول داشتم، می‌تونستم یه کار کوچیکی راه بندازم. مثلاً یه خیاطی، یا یه آرایشگری. ولی خب، پولی نداشتم. کسی هم نبود که بهم قرض بده».

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «رفتم بانک که وام بگیرم، گفتن باید ضامن داشته باشی. خب من کسی رو ندارم که ضامنم بشه. اصلاً نمی‌دونستم باید چیکار کنم».

۵. ۱. ۳. محرومیت از وجود خانواده حمایت‌گر

محرومیت از وجود خانواده حمایت‌گر یکی دیگر از مشکلات اجتماعی زنان آسیب‌دیده بوده است. این زنان توسط خانواده طرد شده و از سوی آنها کمک مالی و عملی دریافت نمی‌کرده‌اند. فشار و سرزنش خانواده نیز احساس تنهایی در خانواده را برای این زنان به همراه داشته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص اظهار داشت: «خانواده‌ام اصلاً منو درک نکردن و نمی‌کنن. همش بهم سرکوفت می‌زنن و می‌گن که باعث آبروریزی شون شدم. هیچ کسی رو ندارم که بهم کمک کنه».

۵. ۲. تبعیض ادراک‌شده

۵. ۲. ۱. تبعیض در بازار کار

نتایج تحقیق حاضر و پژوهش‌های مشابه (ویک و کونادا^۱، ۲۰۲۲؛ ماهاسه^۲، ۲۰۲۲) نشان می‌دهد که زنان آسیب‌دیده با تبعیض و نابرابری اجتماعی مواجه هستند. فرصت‌های شغلی کمتر به دلیل زن بودن و رفتارهای تبعیض‌آمیز در محیط کار، از جمله مشکلاتی است که این زنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حقوق و مزایای کمتری نسبت به مردان نیز از دیگر مشکلات اجتماعی این زنان است.

1. Vic & Konada

2. Mahasa

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «همیشه حس می‌کردم که چون زن هستم، به جور دیگه باهام رفتار می‌شه. مثلاً تو استخدام، یا تو کار، همیشه تبعیض بوده. انگار که ماها، نصفِ مردا هم حساب نمی‌شیم».

۵.۲.۲. تبعیض جنسیتی

تبعیض جنسیتی از دیگر مشکلات اجتماعی زنان آسیب‌دیده بوده است. این زنان با فشارهایی نظیر اجبار به ازدواج زودرس مواجه بوده‌اند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید: «تو فامیل، همش بهم می‌گن که نباید اینقدر تو اجتماع باشی و کار کنی. می‌گن که زن باید تو خونه باشه و به شوهرش خدمت کنه».

یکی دیگر از مصاحبه‌شدگان دلیل ازدواج زودهنگام خود را این‌گونه توضیح می‌دهد «وقتی از خونه فرار کردم بهم تجاوز شد، بعد که منو تحویل خانوادم دادن پدرم من رو مجبور کرد که با یک پیرمرد ازدواج کنم، می‌گفت تو مایهٔ ننگی»

۵.۳. تجربهٔ بحران‌های چالش‌زای تشدیدکننده

۵.۳.۱. ضعف حمایت‌های اجتماعی

ضعف حمایت‌های اجتماعی یکی دیگر از مشکلات زنان آسیب‌دیده بوده است. نبود فضا‌های امن برای گفتگو، فقدان مشاوره‌های تخصصی و نبود گروه‌های حمایتی، احساس طردشدگی از جامعه را برای این زنان به دنبال داشته است. این مشکلات اجتماعی می‌تواند تأثیرات منفی زیادی بر روان و وضعیت اجتماعی این زنان داشته باشد.

در همین رابطه، یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه بیان داشت: «خیلی دلم می‌خواست که به مشاور خوب داشته باشم که بتونم باهاش حرف بزنم و مشکلاتمو بگم. ولی خب، نه پولی داشتم، نه کسی رو می‌شناختم که کمکم کنه».

۵. ۳. ۲. مشکلات روانی

مشکلات روانی یکی دیگر از مشکلات اجتماعی زنان آسیب دیده بوده است. این زنان احساس پوچی و بی معنایی، افسردگی و غم عمیق، اضطراب و نگرانی مداوم، احساس گناه و شرم و احساس تنهایی و انزوا را تجربه کرده اند. این مشکلات روانی توانسته است زندگی روزمره و روابط اجتماعی این زنان را تحت تأثیر قرار دهد.

یکی از زنان شرکت کننده در مصاحبه در این مورد می گوید: «همش استرس دارم و همش گریه می کنم. نمی دونم چیکار کنم. حس می کنم که دیگه نمی تونم تحمل کنم».

۵. ۳. ۳. داغ ننگ

داغ ننگ از دیگر مشکلات زنان آسیب دیده بوده است. نگاه منفی جامعه به زنان آسیب دیده، برچسب های منفی جامعه از جمله این مشکلات است.

یکی از مصاحبه شوندگان در این خصوص می گوید: «وقتی اولین بار نرفتم خونه مون و پیش دوستم بودم، ولی همسایه ها که متوجه شده بودن که من نیستم بهم می گفتن تو خرابی».

۵. ۳. ۴. کمبود دسترسی به خدمات حقوقی

زنان آسیب دیده با کمبود دسترسی به خدمات حقوقی مواجه بوده اند. ناآگاهی از حقوق قانونی، مشکلات مالی برای استخدام وکیل، ترس از مراجعه به مراجع قانونی و عدم اعتماد به سیستم قضایی از جمله مشکلاتی بوده است که این زنان با آن مواجه شده اند. این مشکلات قانونی توانسته است مانع از دستیابی به حقوق و حمایت های قانونی این زنان شود.

یکی از مصاحبه شوندگان در این خصوص می گوید: «وقتی شوهرم منو کتک زد، خیلی ترسیدم. نمی دونستم باید چیکار کنم. رفتم پیش یه وکیل، ولی اونم گفت که باید پول زیادی بدم تا پرونده مو قبول کنه. منم که پولی نداشتم. خیلی دلم شکست. حس کردم هیچ راهی ندارم».

۵.۳.۵. مشکلات در پیگیری حقوقی

مشکلات در پیگیری حقوقی یکی دیگر از مشکلات قانونی زنان آسیب‌دیده بوده است. فرآیندهای پیچیده و طولانی حقوقی، ترس از انتقام و تهدید، فشار روانی و خستگی و مشکلات مربوط به جمع‌آوری مدارک و شواهد از جمله مشکلاتی بوده است که این زنان با آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند. این مشکلات توانسته‌اند مانع دستیابی به عدالت و حقوق قانونی این زنان شود. یکی دیگر از شرکت‌کنندگان در مصاحبه با اشاره به تجربه خود در این زمینه گفت: «بعد از اینکه از شوهرم جدا شدم، برای گرفتن نفقه خیلی تلاش کردم. ولی انقدر رفت‌وآمد به دادگاه و بروکراسی زیاد بود که خسته شدم. همش باید دنبال مدرک و سند می‌بودم. آخرش دیگه بی‌خیال شدم. انگار قانون هم طرف اونایی هست که پول دارن و وکیل دارن».

۶. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی مهم‌ترین چالش‌های پیش روی زنان آسیب‌دیده اجتماعی تحت پوشش سازمان بهزیستی استان خراسان رضوی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این زنان با مشکلات متعددی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و قانونی روبه‌رو هستند که فرآیند توانمندسازی آن‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. از منظر نظری، توانمندسازی به عنوان یک فرآیند چندبعدی در نظر گرفته می‌شود که شامل افزایش دسترسی به منابع، ارتقای مهارت‌های فردی و اجتماعی، ایجاد فرصت‌های برابر و تقویت عاملیت افراد در تصمیم‌گیری‌های زندگی است. در این راستا، نظریه‌هایی همچون مدل توانمندسازی سارا لانگه، نظریه آزادی انتخاب آمارتیا سن و نگرش سه‌وجهی به توانمندسازی نایلا کبیر، بر اهمیت رویکردهای چندبعدی در فرآیند توانمندسازی تأکید دارند. یافته‌های این پژوهش نیز مؤید این دیدگاه است که زنان آسیب‌دیده اجتماعی نه تنها نیازمند حمایت‌های اقتصادی، بلکه به برنامه‌های آموزشی، حمایتی و مشاوره‌ای نیز نیاز دارند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی از جمله کمبود فرصت‌های شغلی، ضعف شدید مالی و وابستگی مالی، از موانع اصلی توانمندسازی این زنان محسوب می‌شود. این یافته‌ها با مطالعات پیشین داخلی و خارجی (از جمله نادری و همکاران، ۱۴۰۰؛ دماری و همکاران، ۱۳۹۹؛ بینش، ۲۰۱۵) همخوانی دارد که نشان داده‌اند بسیاری از برنامه‌های حمایتی نتوانسته‌اند پایداری اقتصادی این زنان را تضمین کنند. از سوی دیگر، نظریه توانمندسازی اجتماع‌محور دیوید فیتزمن بر ضرورت ایجاد فرصت‌های اقتصادی از طریق شبکه‌های اجتماعی تأکید دارد که در این زمینه، توسعه گروه‌های خودیار و کارآفرینی اجتماعی می‌تواند راهکاری مؤثر باشد.

مشکلات اجتماعی و فرهنگی، از جمله تبعیض‌های اجتماعی، کمبود حمایت‌های اجتماعی، فشارهای خانوادگی و نگاه منفی جامعه، چالش‌های دیگری است که در مسیر توانمندسازی این زنان شناسایی شده است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی (از جمله کریستا^۱ و همکاران، ۲۰۲۳؛ توبی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳) که بر نقش انگ‌زنی اجتماعی در تضعیف عاملیت زنان تأکید کرده‌اند، همخوانی دارد. در چارچوب نظریه ادغام اجتماعی لین بنت، تأکید بر ایجاد فرصت‌های مشارکت اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی از طریق سیاست‌های ادغام اجتماعی، می‌تواند در بهبود وضعیت این زنان مؤثر باشد.

مشکلات قانونی، از جمله دسترسی محدود به خدمات حقوقی و پیچیدگی‌های فرایندهای قضایی، مانعی دیگر در مسیر توانمندسازی زنان آسیب‌دیده است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات داخلی و خارجی (از جمله زرگر و همکاران، ۱۳۸۸؛ فتحی و همکاران، ۱۳۸۶؛ دنگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳) همخوانی دارد که نشان داده‌اند فرآیندهای قانونی ناکارآمد، زنان را از پیگیری حقوق خود باز می‌دارد. این امر بر اهمیت اصلاحات حقوقی و ایجاد ساختارهای حمایتی تأکید دارد.

1. Christa
2. Toby
3. Dengue

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که توانمندسازی زنان آسیب‌دیده اجتماعی یک فرآیند چندبعدی است که نیازمند مداخله‌های جامع در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و قانونی است. در این راستا، پیشنهادهاى زیر ارائه می‌شود:

۱- با توجه به تبعیضی که مشارکت‌کنندگان در بازار کار به آن اشاره نموده‌اند که همراه با عدم برخورداری از مهارت‌های جهت‌یابی به شکل ورود آنان را به بازار کار مختل می‌نمود، لذا پیشنهاد می‌گردد:

الف. توسعه برنامه‌های آموزش مهارت‌های حرفه‌ای

ب. ارائه وام‌های کم‌بهره برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک.

۲- برای کاهش انگ زنی به زنان آسیب‌دیده، نیازمند راهبردهای چندوجهی هستیم که باید توسط مشاورین و روان‌پزشکان کارآزموده و رسانه‌های اجتماعی صورت گیرد. برای این منظور لازم است که:

الف- اصلاح درک زنان از تصویری که از خود دارند، باید همزمان و همراه با اصلاح بستر اجتماعی انگ‌زنی صورت بگیرد. لازم است روان‌شناسان و روانکاوان مهارت‌های لازم جهت مدیریت تصویر عمومی خود را به آنان بیاموزند.

ب- توجه هر چه بیشتر نهادهای دست‌اندرکار به افزایش حمایت‌های اجتماعی از زنان و دختران طرد شده از سوی خانواده و وجود مراکزی که در کنار نگهداری این زنان به رفع موانع بازگشت سالم این افراد به کانون خانواده و جامعه تلاش نماید.

ج- اصلاح قوانین حمایتی، تسهیل دسترسی زنان به خدمات حقوقی و کاهش پیچیدگی‌های دادرسی.

کتابنامه

۱. اسدی، س؛ و الهیاری، ط. (۱۳۹۴). اثربخشی خدمات ارائه شده توسط سازمان بهزیستی بر میزان توانمندی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۲۲ (۶۸)، ۷۹-۱۵۰.
۲. امامی، س؛ کشاورزی ارشدی، ف؛ و کاکاوند، گ. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش تنش‌زدایی تدریجی و مهارت‌های مقابله‌ای مسئله‌محور بر اضطراب و استرس تجربه‌شده در زنان آسیب‌دیده اجتماعی. *تحقیقات روانشناختی*، ۳ (۱۰)، ۱-۱۰.
۳. بلداجی، ت؛ فروزان، آ؛ و رفیعی، ح. (۱۳۸۹). کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی و زنان شاغل خدماتی. تهران. *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۱۱ (۴۰)، ۹-۲۸.
۴. پورگیو، ف. (۱۳۷۹). توانمندسازی زنان در ایران با تأکید بر رسانه‌ها و کتب درسی. *اولین همایش توانمندی زنان*، تهران.
۵. خسروی، ز. (۱۳۸۰). بررسی مشکلات عاطفی، روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانواده. *علوم انسانی الزهر*، ۱۱ (۳۹)، ۷۱-۹۴.
۶. درخشان، ف؛ و پرچمی، د. (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی روسپی‌گری و راهکارهای کاهش آن با تأکید بر ایران. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۳۱ (۱۰۵)، ۱۰۵-۱۲۱.
۷. دوست‌محمدی، ق.ا. (۱۳۸۲). بررسی میزان موفقیت طرح‌های خودکفایی و اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در ایجاد و تقویت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان سرپرست خانوار. سمنان: کمیته امداد امام خمینی. *زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۷ (۲) (پیاپی ۲۶)، ۸۹-۱۱۴.
۸. زارعان، م. (۱۳۹۴). بررسی شیوه‌ها و الگوهای توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت حمایت کمیته امداد امام خمینی. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی. دانشگاه بوعلی سینا همدان.
۹. زارعان، م؛ زارعی، م؛ و هنردوست، ع. (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. *زن در توسعه و سیاست*، ۱۶ (۲)، ۳۸۳-۳۱۹.
۱۰. سازمان بهزیستی کشور. (۱۳۹۶). *دستورالعمل اجرایی مرکز حمایت و توانمندسازی زنان آسیب‌دیده اجتماعی (راه‌نویس)*. معاونت امور اجتماعی. دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی.

۱۱. سازمان بهزیستی کشور. (۱۳۹۹). گزارش سالانه برنامه‌های توانمندسازی گروه‌های هدف. تهران: سازمان بهزیستی کشور.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی. (۱۳۹۲ - ۱۳۸۶). گزارش برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۳. شکوری، ع. (۱۳۸۷). سیاست‌های اجتماعی و توانمندسازی زنان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، ۶۱(۱۶)، ۱۵۸-۱۵۶.
۱۴. عباس‌زاده، م؛ بوداقی، ع؛ و اقدسی‌علمداری، ف. (۱۳۹۰). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر راهکارهای بومی. همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره). [SID. https://sid.ir/paper/814727/fa](https://sid.ir/paper/814727/fa)
۱۵. قربانی، ا؛ کرمانی، م؛ و اونق، ن. (۲۰۲۳). اقتصاد روسپی‌گری: ارائه یک تحلیل کیفی. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۳۶(۱۰)، ۱۱۴-۷۴.
۱۶. لانگه، س. (۱۳۷۲). معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه. تهران: روشنگران.
۱۷. مدنی، س. (۱۳۸۱). طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. دفتر بررسی‌های اقتصادی - فرهنگی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. تهران.
۱۸. مدنی قهفرخی، س. (۲۰۱۱). وضعیت تن‌فروشی در ایران. مطالعات اجتماعی ایران، ۱(۶)، ۲۵-۱.
19. Altaf, S., & Bashir, A. (2025). Strategies for Empowering Women in Low-Income Communities. *Pattern of Social Sciences Review*, 1(2), 24-37
20. Bhat, R. A., & Rajeshwari, R. (2022). Social evils and their impact on society in valley of kashmir during dogra rule from 1846 to 1947. *Journal of Pharmaceutical Negative Results*, 21(3), 1417-1419.
21. Bineesh, C.B. (2015). Economic Independence of Rural Women through Microfinance - A Study with Special reference to VICIB by Sandhya Development Society in Idukki District. *Asian Journal of Research in Social Sciences and Humanities*, 5, 1-30.

22. Brivio, F., Viganò, A., Paterna, A., Palena, N., & Greco, A. (2023). Narrative Review and Analysis of the Use of "Lifestyle" in Health Psychology. *International journal of environmental research and public health*, 20(5), 4427. <https://doi.org/10.3390/ijerph20054427>
23. Corple, D. J. (2024). Empowerment at Work?: Examining Employment-Based Economic Empowerment Initiatives for Survivors of Commercial Sexual Exploitation. *Violence against women*, 30(6-7), 1407-1430.
24. El Rizaq, A. D. B. (2025). Strategic Assessment of the Pentahelix Model in Addressing Prostitution Issues for Sustainable Social Development. *Entita: Jurnal Pendidikan Ilmu Pengetahuan Sosial dan Ilmu-Ilmu Sosial*, 5(2), 191-204.
25. Farmer, A., & Horowitz, A. W. (2013). Prostitutes, pimps, and brothels: Intermediaries, information, and market structure in prostitution markets. *Southern Economic Journal*, 79(3), 513-528.
26. Galbraith, J. K. (2007). *The Economics of Inequality*. Cambridge: Harvard University Press.
27. Giusta, M. D., Di Tommaso, M. L., & Strøm, S. (2009). Who is watching? The market for prostitution services. *Journal of Population Economics*, 22(2), 501-516.
28. Gueta, K. (2022). Recovery from sexual victimization: toward developing a recovery capital framework. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 31(8), 1014-1032.
29. Henriksen, T. D., & Jarvinen, M. (2025). 'Looking back, I don't quite recognise myself': Narratives of the past in prostitution. *Sexualities*, 28(1-2), 202-218.
30. Hotaling, N., Burris, A., Johnson, B. J., Bird, Y. M., & Melbye, K. A. (2004). Been there done that: SAGE, a peer leadership model among prostitution survivors. *Journal of Trauma Practice*, 2(3-4), 255-265.
31. Kali, D. A., & Malka, M. (2024). Even When I was on the Street, I Still Didn't Want to Give Myself the Label of 'Prostitute: Sex Trade Survivor Mentors' Narrative Constructions of Their Past Involvement in the Sex Trade. *Clinical Social Work Journal*, 1-16.
32. Miller, M., Rosa, W. E., Buller, H., McDarby, M., & Ferrell, B. R. (2024). "I Often Just Don't Know what to Say! ": Variations in Multidisciplinary Palliative Care Clinicians' Confidence and Needs Related to Spiritual Care. *The American journal of hospice & palliative care*, 10499091241265108. Advance online publication. <https://doi.org/10.1177/10499091241265108>
33. Monroe, J. (2005). Women in street prostitution: The result of poverty and the brunt of inequity. *Journal of poverty*, 9(3), 69-88.

34. Nurbani (2017). Social Rehabilitation for Commercial Sex Worker, is it Still Significant. *International Journal of Management Science and Business Administration*, 3(5), 44-49.
35. Reynish, T., Hoang, H., Bridgman, H., & Nic Giolla Easpaig, B. (2021). Barriers and enablers to sex workers' uptake of mental healthcare: A systematic literature review. *Sexuality Research and Social Policy*, 18(1), 184-201
36. Rohim, S. (2021). Communication and Transition of Self-Identity of Ex-Prostituted Women to Residents of Rehabilitation Institutions. *Jurnal Ilmu Komunikasi*, 19(2), 147-157.
37. Shareck, M., Buhariwala, P., Hassan, M., Balla, E., & O'Campo, P. (2024). Supporting women exit sex work: A contribution analysis of the exit doors here integrated care program in Toronto, Canada. *International Journal of Integrated Care*, 24(1), 22-30.
38. Shdaimah, C., & Leon, C. S. (2021). Relationships among stigmatized women engaged in street-level prostitution: Coping with stigma and stigma management. In *Special issue: Problematizing prostitution: Critical research and scholarship* (pp. 43-62). Emerald Group Publishing Limited.
39. Yosef, R. Y., & Bihonegn, A. A. (2025). Understanding the exiting and Re-Entering experiences of Street-Based prostitution among young women in Gondar City, Ethiopia. *Families in Society*, 106(3), 879-890.